

## عوامل موثر در شکل‌گیری هویت از دیدگاه اسلام و علم روانشناسی

خدیجه احمدی بیغش<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)؛ منصوره سالاری<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۹

### چکیده

مقوله هویت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین خصوصیات افراد و گروه‌های اجتماعی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. شناخت فرد نسبت به هویت خویش و عوامل موثر بر آن، سلامت زندگی فردی و اجتماعی افراد جامعه را تضمین نموده و از میزان ارتکاب جرائم و انحرافات و بروز آسیب‌های اجتماعی می‌کاهد. پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سوال است که از دیدگاه اسلام و علم روانشناسی عوامل موثر بر شکل‌گیری هویت انسان کدام است. بررسی توصیفی تحلیلی این مسئله نشان می‌دهد عوامل موثر بر شکل‌گیری هویت انسان شامل عوامل درونی و بیرونی شامل خانواده، دوستان و اراده است. گرچه نگاه اسلام به این عوامل بسیار جامع و کامل، با در نظر گرفتن اثرات مادی و معنوی می‌باشد، توصیه‌هایی در راستای تقویت این عوامل با در نظر گرفتن هدف اصلی آفرینش که تقرب انسان می‌باشد، اشاره شده است. از نگاه علم روانشناسی اثرات مادی که از راه تجربه حاصل می‌شود با اهداف منافع شخصی و دنیوی مورد بررسی است. **کلیدواژه‌ها:** هویت انسان، عوامل بیرونی موثر بر هویت، عوامل درونی موثر بر هویت، اسلام، علم روانشناسی.

۱- عضو هیئت علمی و استادیار گروه قرآن و حدیث دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

kh.ahmadi@modares.ac.ir

۲- دانش آموخته سطح سه تفسیر و علوم قرآن مرکز تخصصی حضرت فاطمه علیها السلام تهران، ایران

kh.ahmadi310323@gmail.com



## مقدمه

انسان برتر از همه موجودات و ملائکه، خلیفه و جانشین خدا در زمین است. هدف از آفرینش انسان رسیدن به کمال بوده و این امر با شناخت هویت او امکان پذیر است. بدون شک هویت، اولین مقوله‌ای است که در نهاد و شخصیت هر انسانی باید شکل بگیرد. هویت مجموعه نگرش‌ها، ویژگی‌ها و روحیات فرد و آنچه وی را از دیگران متمایز می‌کند، است که شناخت هویت و عوامل موثر بر آن انسان را از گرفتار شدن در بحران هویتی و خود بیگانگی نجات می‌دهد. متفکران و اندیشمندان علوم مختلف همواره سعی در تبیین این مساله اساسی بشر داشته‌اند. برای شناخت هویت باید عوامل موثر بر آن را بررسی کنیم. زیرا بدون آگاهی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری هویت، نمی‌توان به هویت مطلوب دست یافت. انسان در طول زندگی خود، یا تأثیر می‌پذیرد و یا تأثیر می‌گذارد و در هر صورت، نقش عوامل تأثیرگذار بر هویت بسیار اهمیت دارد. (حسینی، ۱۳۹۴، ص ۱)

این عوامل از جایگاه ویژه‌ای در علم روان‌شناسی برخوردار بوده و پرداختن به آن ضروری است. در مباحث علم روان‌شناسی، هویت به انحای گوناگون مطرح شده است. علی‌همت بناری در مقاله‌ای با عنوان «شخصیت و مهم‌ترین عوامل غیروراثتی شکل‌گیری آن»، به عوامل بیرونی خانواده، دوستان، مدرسه، عوامل درونی عامل ناهوشیاری و اراده از دیدگاه روان‌شناسان غربی اشاره می‌کند. سپس به صورت بسیار خلاصه نظر اسلام در مورد این عوامل را بیان کرده است. زینب سالاری در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر خانواده، محیط و اراده در شکل‌گیری شخصیت انسان از منظر امام علی (علیه السلام)»، به بررسی سه عامل خانواده، محیط و اراده از دیدگاه روان‌شناسان اسلامی پرداخته و با بررسی برخی عوامل بیرونی و درونی مؤثر بر هویت از نظر دو دیدگاه مکاتب غربی و اسلامی را مورد بررسی قرار داده است. اما در تحقیق حاضر به عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت انسان در تعالیم اسلام و علم روانشناسی در دو عرصه عوامل درونی و بیرونی پرداخته شده است.

## ۱. مفهوم هویت

هویت عبارت است از تشخیص و به معنای هستی و وجود و آنچه موجب شناسایی شخص باشد، تعریف شده است. (سجادی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۲۱۸۴) به عبارت دیگر هویت آن چیزی است که موجب تشخیص فرد شده و حقیقت، چیستی و هستی او را می‌سازد. هویت هر پدیده‌ای بیانگر هیئت و ماهیت وجودی آن ذات است (انصاری مصری، ۱۴۱۰ق، ج ۱۵، ص ۳۷۵). در علم روان‌شناسی غربی، هویت مجموعه ویژگی‌هایی است که تفاوت فرد از یکدیگر یا شباهت او به دیگران را موجب می‌گردد که برای ساختن آن، عناصر زیادی مورد استفاده قرار می‌گیرد. هر شخص، برای به وجود آمدن تصویر ذهنی از خود، بر تفسیری که از واکنش‌های دیگر درباره خود دارد تکیه می‌کند. (شرفی، ۱۳۸۱، ص ۷-۹)

یکی از واژه‌های محوری قرآن در ارتباط با هویت انسان، واژه شاکله است: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا» (اسراء، ۸۴). شاکله از ماده شکل، به معنای بستن پای چارپا است. شاکله به معنای خوی و اخلاق است. اگر خلق و خوی را شاکله خوانده‌اند یعنی آدمی را محدود و مقید کرده نمی‌گذارد در آنچه می‌خواهد یله و رها باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۲۶۲) شاکله نسبت به عمل، نظیر روح جاری در بدن است که بدن با اعضا و اعمال خود آن را مجسم نموده و معنویات او را نشان می‌دهد.

## ۲. عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت

تشکیل هویت، جریانی دائمی و پویا است که از سنین نوجوانی آغاز شده و عوامل بسیاری بر آن مؤثر است که می‌توان عامل‌های مؤثر بر شکل‌گیری هویت را به دو گروه عوامل درونی و بیرونی قابل تقسیم است.

### ۱-۲. عوامل بیرونی

«عوامل بیرونی» عواملی هستند که از بیرون بر وجود انسان تأثیر می‌گذارند؛ خانواده و دوستان. البته باید توجه داشت که این مقاله درصدد بیان همه عوامل نیست، بلکه برخی از



مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار را، که در روان‌شناسی اسلامی و غربی بیشتر مورد توجه نظریه‌پردازان هویت واقع شده، مورد بررسی قرار می‌دهد.

## ۲-۱-۱. خانواده

خانواده از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت به شمار می‌آید که به‌عنوان اولین و کوچک‌ترین نهاد اجتماعی به طرق زیرزمینه ساز و موجب شکل یافتن هویت را بر عهده دارند: وراثت، یعنی صفاتی که درون نطفه ثبت بوده و ناآگاهانه به فرزند منتقل می‌شود؛ تعلیم و تربیت، که آگاهانه انجام می‌گیرد. وجود فرزندان افراد پاک و صالح، از افراد مانند خودشان و به‌عکس، آلوده‌زادگان، که از افراد آلوده پدید آمده‌اند. این مسأله در هر دو طرف استثناهایی دارد. از این‌رو تأثیر وراثت و تربیت، تأثیر جبری غیرقابل تغییر نیست.

تأثیر والدین در شکل‌گیری هویت از جهات گوناگون، مورد توجه نظریه‌پردازان واقع شده است. در مرحله کودکی، آنچه ممکن است هویت کودک خوانده شود چیزی نیست مگر انعکاس هویت والدین. پس از آن نیز والدین نقش بسیاری در شکل‌گیری هویت کودک اعمال دارند. آنان به شیوه‌ای که نسبت به کودک رفتار می‌کند، به رشد هویت او کمک کرده یا مانع آن می‌شوند. (دوان شولتز، ۱۳۸۴، ص ۱۱۹) نوجوانانی که در حالت پراکندگی هویت هستند، غالباً کسانی می‌باشند که از جانب والدین خود به فراموشی سپرده شده، طرد گشته‌اند. رابطه اجتماعی موجود بین کودک و والدین عامل اصلی رشد هویت کودک است. پس امنیت کودک کاملاً بستگی دارد به اینکه چگونه والدین با او برخورد کنند (دوان شولتز، ۱۳۸۴، ص ۱۷۰) اگر والدین بتوانند به نیازهای ویژه فرزندان در دوره کودکی و نوجوانی توجه کنند و محیطی سالم برایشان فراهم آورند، می‌توان امیدوار بود که در مرحله نوجوانی و جوانی، از هویت مطلوب برخوردار باشند. در این راستا، پدر و مادر باید با ایجاد محیط عاطفی در خانواده، به عواطف و احساسات فرزندان پاسخ دهند و با تقویت ریشه‌های دینی و اعتماد به نفس، پایه‌های رشد شخصیتی آن‌ها را محکم کنند. عواملی چون تبعیض میان فرزندان، خشونت، اختلاف خانوادگی، طلاق و بزه‌کاری والدین، در به وجود آمدن فرزندان بی‌هویت، نقش بسیار مهمی دارند. این‌گونه فرزندان، در

نخستین فرصت می‌کوشند از خانواده خود جدا شده و مسیر دیگری را در پیش گیرند. بررسی - های آماری ده کشور اروپایی نشان می‌دهد که ۸۸ درصد کودکانی که به گناه و کارهای خلاف دست می‌زنند، از خانواده‌های گسسته‌ای هستند که وضعیت ناپسامانی داشته‌اند. (دینک‌میر، ۱۳۸۸، ص ۴۱-۴۵) فرزندان که از عزت نفس بالایی برخوردارند، معمولاً دارای پدر و مادری هستند که اعتماد به نفس خوبی دارند. این نوع والدین دارای ثبات هیجانی و اتکالی به خود هستند و در پرورش و تربیت فرزندان، توافق کاملی بین آن‌ها و فرزندان‌شان مشاهده می‌شود. (گوهری، ۱۳۹۲، ص ۱۱۵) در اسلام، خانواده از جایگاه ویژه‌ای در شکل‌گیری هویت برخوردار است. از جمله وظایف مهم والدین، ارزش دادن به فرزندان و تربیت صحیح آن‌هاست. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «اَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۲۳۹) به فرزندان خود نیکی کنید و به خوبی یاد کنید. تأثیر والدین به عنوان يك عامل بیرونی از دوره جنینی آغاز شده و تا بزرگسالی ادامه دارد.

در دوره بارداری، اسلام ضمن توجه زیاد به تأثیر تغذیه و حالات روانی و عاطفی مادر بر جنین، تأثیر معنوی مادر و نوع تغذیه وی در این زمینه را نیز مورد اهتمام قرار داده است. برای نمونه، می‌توان به روایت تأثیر تغذیه مادر باردار با شیر در خوش خلق شدن و باهوش شدن فرزند اشاره کرد. (حرعاملی، ۱۳۸۴، ج ۱۵، ص ۱۳۶) پس از تولد، تأثیر والدین به شکل ملموس‌تری ادامه می‌یابد و به محض تولد، والدین به اجرای برنامه‌ها و اقدامات گوناگونی تحت عنوان «سنت‌های هنگام تولد» اقدام می‌کنند که از جمله آن‌ها می‌توان به گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد (همان، ص ۱۳۶)، کام برداشتن کودک با تربت امام حسین (علیه السلام) یا خرما (همان، ص ۱۳۸)، عقیقه نمودن (همان، ص ۱۴۹)، نام‌گذاری (همان، ص ۱۲۸) و... اشاره نمود. این‌گونه اهتمام و ارزش‌گذاری به تولد نوزاد و انجام این نوع اقدامات که عمدتاً جنبه اجتماعی دارند و مثبت شدن نگاه دیگران به نوزاد و نیز حفظ حرمت نوزاد را به دنبال دارند، تأثیر شگرفی بر هویت کودک خواهند گذارد.

تأثیر والدین پس از دوره نوزادی ادامه می‌یابد. والدین در این دوره باید شرایط لازم را برای آموزش فرزندان و آگاهی آن‌ها از خوبی‌ها و بدی‌ها فراهم آورند. تأثیر والدین ادامه دارد و در



دوره جوانی، در انتخاب همسر و شغل مناسب وی نیز ایفای نقش می‌کند (همت بناری، ۱۳۸۹، ص ۲۵). امام علی علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر به او سفارش کرده کارهای کلیدی و مسئولیت‌های مهم را در حکومت و جامعه اسلامی به دست افرادی بسپارد که گوهر نیک و شایسته دارند و از افراد با بهترین وراثت برای این منصب‌ها در جامعه اسلامی استفاده کند: «ثُمَّ الصَّقُّ بِذَوِي الْمَرْءَاتِ وَالْأَحْسَابِ وَأَهْلِ الْبُيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ» (نهج البلاغه، خطبه ۸۴). آنان که گوهری پاک دارند و از خانواده‌های صالح و شریف و شایسته‌اند. (سالاری، ۱۳۹۳، ش ۵، ص ۸۹)

بنابراین در مکتب اسلام خانواده از زن و مردی تشکیل شده است که در تکامل معنوی و رشد مادی یکدیگر مشارکت دارند و بالاتر آن که هر یک کمبود دیگری را در اوج محبت و مودت جبران نمایند. چنانچه چیزی آنان را تهدید کرد و آرمان‌های فکری و اعتقادی آن‌ها را به خطر انداخت، به دفاع برخیزند و جهت حیات و زندگی همیشگی خویش با آن مبارزه کرده، برای بقای خویش برنامه‌ریزی نموده، نسل خود را دوام بخشند. قرآن کریم این اصل اساسی را این چنین بیان می‌کند: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (نحل، ۷۲) از نشانه‌های خداست آن که آفرید برای شما همسرانی از جنس خودتان تا به ایشان آرام گیرید و میان شما دوستی و مهربانی نهاد. هر آینه در این کار برای مردمی که بیندیشند نشانه و عبرت‌هاست. حضرت باقر علیه السلام فرمود: «مَا بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنَ التَّزْوِيجِ» (بروجردی، ۱۳۸۶، ص ۸۳) هیچ بنایی در مکتب اسلام طرح‌ریزی نشده که در نزد خداوند بزرگ محبوب‌تر از ازدواج باشد. در اسلام، خانواده از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و نقش برجسته‌ای برایش لحاظ شده که تأثیر آن به عنوان يك عامل بیرونی، از دوره جنینی آغاز می‌شود و به‌نحوی تا دوره بزرگ‌سالی ادامه دارد.

نگاه اسلام به خانواده براساس حقوق متقابل زن و مرد و فرزند تعریف می‌شود و اسلام، از يك جنس خاص، حمایت نمی‌کند؛ بلکه همه افراد نسبت به یکدیگر حق و تکلیف دارند. درحالی که در غرب، اساس بر اصالت فرد می‌باشد و منافع شخص در اولویت است و این نگاه غرب به خانواده موجب مسائل و مشکلات زیادی در جوامع آنان گردیده است. تعریف خانواده در مکتب غرب عبارت است از گروهی جمع شده در کنار هم و زیر يك سقف و تحت يك

مدیریت. صرف زندگی در يك خانه و با انگیزه رابطه جنسی، یا ممکن است دو نفر همجنس باشند. (صفایی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۵۰)

## ۲-۱-۲. دوستان

بعد از خانواده، دوستان در شکل‌گیری شخصیت افراد نقش بسیار مهمی دارد. اقوال و افعال انسان به سرعت تحت تأثیر همنشین قرار گرفته و چون انسان موجودی اجتماعی و اهل معاشرت است، از این طریق هم نیاز فطری خود را پاسخ می‌دهد، هم تأثیر می‌پذیرد. از این رو محیط رفاقت و معاشرت از محیط‌هایی است که به نحو اقتضا نه علت تامه، به صورت مثبت یا منفی در شخصیت افراد تأثیرگذار است. لذا توجه به نوع رفاقت و معاشرت در تربیت امری ضروری است. گروه دوستان، فرد را برای پذیرش قوانین و رفتارهای جدید اجتماعی آماده کرده و تجاربی را فراهم نماید که تأثیرات طولانی‌مدتی بر هویت فرد گذارد. دوستان به شکل‌های خاص و از راه‌های منحصر به فرد، در شکل‌گیری هویت، رفتار اجتماعی، ارزش‌ها و نگرش‌های دیگر دخالت دارند. کودکان از طریق سرمشق‌دهی اعمالی که قابل تقلید است، با تقویت یا تنبیه پاسخ‌های خاص و یا ارزشیابی فعالیت‌های یکدیگر و بازخوردی که به یکدیگر می‌دهند، در یکدیگر تأثیرگذارند. روابط بین دوستان تأثیرات نه چندان آشکاری در رشد کودکان دارد. بدون شك، موقعیت کودکان در میان همسالان و دوستی‌هایی که برقرار می‌کنند، در مفهوم از خود آنان تأثیر می‌گذارد. (سالاری، بی‌تا، ص ۹۴)

معاشرت بیش از اندازه با گروه‌های افراطی و متعصب و همانندسازی و سواسی با شمایل فرهنگی عامه، می‌تواند رشد هویت را محدود کند (دوان شولتز، ۱۳۸۴، ص ۱۳۷). تعامل میان همسالان افراد را با نقطه نظرهای مختلف مواجه ساخته، به درک اخلاقی کمک می‌کنند. هنگامی که کودکان و نوجوانان با همسالان خود مذاکره و مصالحه می‌کنند در می‌یابند زندگی اجتماعی می‌تواند به جای روابط صاحبان قدرت بر همکاری میان افراد استوار باشد. نوجوانی که روابط دوستی صمیمانه و گفتگوهای بیشتری با دوستان خود دارد از نظر استدلال اخلاقی پیشرفته است. نقطه نظرهای مشترک و صمیمیت روابط دوستی که در تصمیم‌گیری براساس



اتفاق نظر استوار هستند بر رشد اخلاقی، اهمیت زیادی دارند.

بحث‌های همسالان نقش‌گزاری مسایل اجتماعی اخلاقی، مبنایی را برای مداخله‌هایی فراهم کرده‌اند که هدف آن‌ها بهبود بخشیدن به درک اخلاقی نوجوانان است. حتی در صورتی که والدین و همسالان مخالف باشند حتی نوجوانی که سن کمتری دارد از مقررات خانواده سرپیچی نمی‌کند. همسالان بر انتخاب‌های شخصی روزمره نوجوان مانند لباس، موسیقی و انتخاب دوستان نفوذ بیشتری دارد اما والدین بر ارزش‌های زندگی و برنامه‌های تحصیلی تاثیر بیشتری دارند. (صفری شالی، ۱۳۹۵، ش ۲۷، ص ۱۱۹)

فرزندپروری مقتدرانه با مقاومت در برابر فشار همسالان ارتباط دارد. نوجوانانی که والدین آن‌ها حمایت‌کننده هستند و نظارت مناسبی بر رفتار آن‌ها دارند، برای والدین خود احترام قائل بوده و معمولاً از مقررات آنان تبعیت کرده و راهنمایی آن‌ها را در نظر می‌گیرند. در مقابل جوانانی که رفتارهای افراطی والدین را تجربه می‌کنند، کنترل خیلی کم یا خیلی زیاد شدید باشد، به سمت دوستان گرایش دارند، آن‌ها در مورد زندگی شخصی و آینده خود بیشتر به راهنمایی دوستان اتکا کرده، بیشتر تمایل دارند مقررات والدین خود را نقض کرده، تکالیف مدرسه خود را نادیده گرفته و به رفتارهای مشکل‌ساز دیگر بپردازند. (همت بناری، ۱۳۸۹، ص ۸)

در مکتب اسلام، به این نیاز طبیعی و هدایت صحیح آن، توجه خاصی شده است. پیشوایان معصوم = در یافتن و نگهداری از دوستان خوب و مفید تشویق نموده‌اند. آنان ضمن بیان اثرات مثبت و منفی رفاقت و مصاحبت، پیروان خود را به همراهی و همنشینی با افراد شایسته، دلسوز، امین، صبور و مهربان راهنمایی نموده‌اند. امام حسن مجتبی علیه السلام نیز در تربیت فرزندان خویش به نقش حساس دوست و هم‌بازی‌های کودک عنایت ویژه‌ای مبذول داشته و به فرزندشان می‌فرماید: «يَا بُنَيَّ لَا تُؤَاخِ أَحَدًا حَتَّى تُعْرِفَ مَوَارِدَهُ وَ مُصَادِرَهُ فَإِذَا اسْتَنْبَطْتَ الْخَبْرَةَ وَ رَضِيتَ الْعَشْرَةَ فَاخْذْ عَلَى أَقَالِهِ الْعَثْرَةَ وَ الْمُؤَاسَاتِ فِي الْعُسْرَةِ» (حکیمی، ۱۳۸۰، ص ۲۵۱) فرزندم! با هیچ کس دوستی مکن، مگر این که از رفت و آمد (و ویژگی‌های روحی، اخلاقی و رفتاری) او آگاه گردی، هنگامی که دقیقاً بررسی و تحقیق نمودی و معاشرت و دوستی با او را برگزیدی، آن‌گاه با



او براساس گذشت و چشم پوشی از لغزش ها و یاری کردن در سختی ها همراه باش.

همچنین آن حضرت در بخشی از سخنان شان که به جناده بن ابی امیه در آخرین روزهای زندگی با برکت خویش بیان کردند، به نشانه ها و علائم دوست خوب و شایسته اشاره نموده و می فرمایند: «وَإِذَا نَزَعْتَكَ إِلَى صُحْبَةِ الرِّجَالِ حَاجَهُ فَاصْحَبْ مَنْ إِذَا صَحَبْتَهُ زَانِكٌ وَإِذَا خِدْمَتَهُ صَانِكٌ وَإِذَا أَرَدْتَ مِنْهُ مَعُونَةً أَعَانَكَ وَإِنْ قُلْتَ صِدْقَ قَوْلِكَ وَإِنْ صَلَّيْتَ شَدَّ صَوْلَتِكَ وَإِنْ مَدَدْتَ يَدَكَ بِفَضْلِ مَدَاهُ وَإِنْ بَدَتْ مِنْكَ ثَلَمَةٌ سَدَّهَا وَإِنْ رَأَى مِنْكَ حَسَنَةً عَدَّهَا وَإِنْ سَأَلْتَهُ اعْطَاكَ وَإِنْ سَكَتَ عَنْهُ ابْتَدَاكَ» (بحرانی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۶) ای جناده! اگر خواستی با کسی رفاقت کنی و احتیاج به مونس، تو را به رفاقت واداشت، با کسی دوستی کن که رفاقت او زینت و آرایش برای شخصیت تو بوده و پاسدار خدمات تو باشد. هرگاه از او یاری طلبیدی، یاریت کند، هرگاه سخنی گفتی، تو را تصدیق نماید، اگر به او نزدیک شدی تو را محترم شمرده و مقامت را گرمی دارد، اگر دست نیاز به سویش دراز کردی دستت را رد نکند، اگر مشکلی داشتی و گرهی در کارت افتاد آن را بگشاید، اگر از تو نیکی و خوبی ببیند آن را فراموش نکند، اگر خواسته ای داشتی آن را برآورد، هرگاه خاموشی گزیدی، او با تو آغاز به سخن کند، اگر گرفتاری برای تو پیش آمد با تو همدردی نماید. از جانب وی به تو رنج و گزند نرسد، هنگام سختی ها تو را بی یاور نگذارد و اگر در حال تقسیم با هم به اختلاف برخیزید تو را بر خود مقدم بدار.

امام علی علیه السلام فرمود: «لَا تَصْحَبِ الْمَأْتِقَ فَإِنَّهُ يُزَيِّنُ لَكَ فِعْلَهُ، وَيَوَدُّ أَنْ تَكُونَ مِثْلَهُ» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۱۹۸) با احمق معاشرت مکن که کارهای احمقانه خود را برای تو زیبا جلوه می دهد و دوست دارد تو هم مثل او باشی. در حدیثی امام سجاد علیه السلام فرزند خود امام باقر علیه السلام را چنین نصیحت می فرمود: «إِيَّاكَ يَا بُنَيَّ أَنْ تُصَاحِبَ الْأُمِّقَ أَوْ تُخَالِطَهُ وَاهْجُرَهُ وَلَا تُجَادِلُهُ فَإِنَّ الْأُمِّقَ هُجْرَتُهُ عَيْنٌ غَائِبٌ كَانَ أَوْ حَاضِرًا إِنْ تَكَلَّفَ صَحَّةَ حَقِّهِ وَإِنْ سَكَتَ قَصَرَ بِهِ عِيَّتُهُ وَإِنْ عَمِلَ أَفْسَدَ وَإِنْ اسْتَرْعَى أَضَاعَ لَا عِلْمُهُ مِنْ نَفْسِهِ يُغْنِيهِ وَلَا عِلْمُ غَيْرِهِ يَنْفَعُهُ وَلَا يُطِيعُ نَاصِحَهُ وَلَا يَسْتَرِيحُ مَقَارِنُهُ تَوَدُّ أُمُّهُ تَكَلَّتَهُ وَامْرَأَتُهُ أَنْ هَا فَقَدَتْهُ وَجَارُهُ بُعِدَ دَارِهِ وَحَلِيسُهُ الْوَحْدَةَ مِنْ مُجَالَسَتِهِ إِنْ كَانَ أَصْغَرَ مَنْ فِي الْمَجْلِسِ أَعْيَا مَنْ قَوْفَهُ وَإِنْ كَانَ أَكْبَرَهُمْ أَفْسَدَ مِنْ دُونِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۱۹۸) فرزندم از همنشینی و معاشرت با احمق بپرهیز و از او دوری کن و با او گفتگو نکن، زیرا



احمق، آدم پست و فرومایه‌ای است؛ خواه غایب باشد یا ظاهر. اگر سخن بگویند حماقتش او را رسوا می‌کند و اگر سکوت کند ناتوانی‌اش ضعف او را آشکار می‌سازد و اگر کاری انجام دهد خراب می‌کند، اگر مسئولیتی به عهده او بیندازند ضایع می‌سازد. نه علم خودش او را بی‌نیاز می‌کند و نه علم دیگران به حال او سودی دارد. به سخن خیرخواه خود گوش نمی‌کند و همنشین خود را راحت نمی‌گذارد.

بنابراین در مورد تأثیر همسالان و دوستان در رشد هویت، اسلام توجه ویژه‌ای مبذول داشته است. از دیدگاه اسلام، دوست می‌تواند تأثیر مثبت یا منفی بر شخصیت دوست خود داشته باشد، به گونه‌ای که وی را به آیین و روش خود درآورد. رسول اکرم ﷺ فرمودند: انسان بر آیین و روش دوستش زندگی می‌کند. (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۳۷۵)

بنابراین مهارت دوست‌یابی، نخستین پایه‌های شکل‌گیری هویت و برقراری ارتباط موثر اجتماعی با محیط اطراف محسوب می‌شود. انتخاب صحیح دوست از شاخص‌های مهم تشخیص سلامت روان در شکل‌گیری شخصیت افراد به شمار آمده و به عقیده اکثر کارشناسان حوزه علوم اجتماعی و روانشناسی گروه همسالان در تکامل هویت فردی کودکان و نوجوانان، مهم ارزیابی می‌شود.

فلسفه دوستی از نظر اسلام هم همین است که دو نفر در یک مسیر به وحدت برسند و برای رسیدن به خداوند به هم کمک کنند، رفیق راه باشند، با هم تلاش کنند، عیب‌های یکدیگر را در این مسیر رفع نمایند، از هم در برابر دشمنان خدا دفاع کنند و همدل و همراه هم باشند.

یعنی در حقیقت محور دوستی دو نفر یا چند نفر از نظر اسلام راه خداوند و توحید‌گرایی است. اگر دوستی فی‌الله شد و محور خدا بود، دوستان با هم متحد می‌شوند و اختلافی بروز نمی‌کند و بینشان صفا و صمیمیت حاکم می‌شود، ولی اگر محور دنیا و کثرات دنیوی شد، اگر منافع مادی شد، خودخواهی بروز می‌کند و ریشه اختلاف و دشمنی در همین خودخواهی و منفعت‌طلبی است، لذا در آخرت هم همین تشنّت و دشمنی بروز خواهد کرد. (سالاری، ۱۳۹۳، ص ۹۵) امام صادق علیه السلام در توضیح آیه: «الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ» (زخرف،

و در باب دوستی یک قانون کلی را مطرح می‌فرمایند: «الْأَكْلُ خَلَّةٌ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا فِي غَيْرِ اللَّهِ فَإِنَّهَا تَصِيرُ عَدَاوَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ» آگاه باشید! هر دوستی رفاقتی که در دنیا «فی غیر الله» بر محور معنویت نباشد، در روز قیامت، تبدیل به دشمنی می‌شود. (العروسی الحویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۶۱۲)

با بررسی این دو دیدگاه به این نتیجه می‌رسیم که نقش دوست در شکل‌گیری هویت بسیار موثر می‌باشد. در اسلام تمام افعال انسان حتی انتخاب دوست نیز در جهت هدف اصلی زندگی یعنی قرب الهی است. اما در روانشناسی غربی دوست‌یابی فقط در حد گذران وقت، پاسخ به یک نیاز طبیعی و یا رسیدن به اهداف مادی و شخصی است.

## ۲-۲. عامل درونی

علاوه بر عوامل بیرونی مؤثر بر هویت، برخی از عوامل درونی نیز بر شکل‌گیری هویت مؤثرند. مهمترین آن‌ها عبارت است از:

### ۲-۲-۱. اراده و انتخاب

یکی از عوامل درونی، که تأثیر انکارناپذیری بر شکل‌گیری شخصیت انسان دارد، «اراده» است. اراده عاملی موازی با دو عامل خانواده (وراثت) و دوستان (محیط) به شمار می‌آید. هرچند ممکن است داشته‌های وراثتی و عوامل محیطی در شدت و ضعف اراده مؤثر باشند، اما واقعیت اراده به عنوان یک عامل مهم و تعیین‌کننده در عرض عوامل محیطی و وراثتی قرار می‌گیرد. بدان معنا که ممکن است فرد با تکیه بر قابلیت‌ها و توانمندی‌های خود، مسیری متمایز از آنچه داشته‌های وراثتی‌اش طلب می‌کنند و متمایز از آنچه محیط فرهنگی و اجتماعی پیرامونی‌اش اقتضا می‌کند، برگزیند و خود، زندگی آینده را رقم زنده و هویت خود را آن‌گونه که می‌خواهد، می‌سازد. (شرفی، ۱۳۸۱، ص ۳۵) نه وراثت و نه محیط هیچ‌کدام نمی‌توانند رشد هویت را به طور کامل تبیین کنند. ما برای شکل‌دهی نیروهای اجتماعی که بر ما تأثیر دارد و استفاده خلاقانه از آن‌ها برای ساختن یک سبک زندگی بی‌نظیر، صاحب اراده آزاد هستیم. (دوان

شولتز، ۱۳۸۴، ص ۱۴۴) ما به وسیله ویژگی‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه‌مان شکل می‌گیریم. با این حال، این نیروها به‌طور کامل، منش ما را تعیین نمی‌کنند. ما مجموعه‌ای از ویژگی‌ها یا مکانیزم‌های روان‌شناختی داریم که به وسیله آن‌ها، ماهیت خود و جامعه‌مان را شکل می‌دهیم. ما قادریم هر بحران را به‌صورتی که سازگارانه و تقویت‌کننده باشد، حل کنیم. اگر در یک مرحله ناکام شویم و پاسخی ناسازگارانه یا ضعیف بنیادی را پرورش دهیم هنوز امید تغییر در مرحله بعدی هست. ما توان آن را داریم که به‌صورت هوشیار، رشد خود را در طول زندگی‌مان هدایت کنیم. (همت بناری، ۱۳۸۹، ص ۲۸)

«نیاز به خودشکوفایی» مهم‌ترین نیاز فرد است. فرایند خودشکوفایی می‌تواند اشکال گوناگون به خود گیرد. اما هر یک از ما صرف‌نظر از تمایلات مان، توانایی تحقق بخشیدن به استعدادها و رسیدن به اوج رشد هویت را داریم. همه ما توانایی آن را داریم که تصمیم بگیریم چگونه نیازهایمان را برآورده کرده و استعدادمان را تحقق بخشیم. ما توانایی برگزیدن جهت زندگی خود را داریم و در صورت لزوم، با اصلاح کردن سازه‌های قدیمی و ساختن سازه‌های جدید، می‌توانیم تغییر کنیم. (سالاری، ۱۳۹۳، ص ۱۰۰)

در مکتب اسلام اراده و انتخاب در میان عوامل مؤثر در هویت، اراده انسان، مهمترین نقش را داراست، به گونه‌ای که سعادت و شقاوت آدمی به دست خودش است. خداوند راه سعادت و شقاوت انسان را به او نشان داده و او را در انتخاب این راه آزاد گذاشته تا خود راه خویش را انتخاب کند و در این امر اکراه و اجباری نیست: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس. (انسان، ۳) حضرت علی علیه السلام در تأیید این حق تصریح می‌کند: «لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا» (نهج البلاغه، نامه ۴۱) بنده دیگران مباش که خدا تو را آزاد آفرید. بنابراین، خداوند راه سعادت و نجات را به انسان نشان داده و این خود انسان است که در تعیین سرنوشت و شکل‌گیری هویت خود، مؤثر است.

بنابراین نوع نگاه اسلام به انسان با نگاه روان‌شناسی غرب متفاوت است. هرچند برخی عوامل مشترك وجود دارند، اما میزان و نوع تأثیر آن‌ها می‌تواند متفاوت باشد. علم روان‌شناسی به انسان به‌عنوان موجودی زنده در کنار سایر موجودات زنده می‌نگرد، به کمک روش تجربی

خود تنها آنچه را از انسان به تجربه و آزمایش درمی‌آید مورد بحث قرار داده و به بعد معنوی و روحی انسان چندان اهتمام نورزیده است. به تبع نقشی برای تأثیرات معنوی و غیرمادی عوامل قائل نبوده و همین مسئله عامل تمایز اسلام از علم روان‌شناسی است. از دیدگاه اسلام، انسان مرکب از جسم و روح است. (حاجی صادقی، ۱۳۸۳، ش ۳۰، ص ۲۳) جسم وسیله‌ای در خدمت روح بوده، لذا تأثیر عوامل منحصر به تأثیر ظاهری و تجربی آن‌ها نیست، بلکه ضمن تأیید این نوع تأثیرات، معتقد به تأثیرات معنوی نیز هست. گرچه عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت منحصر به عوامل ظاهری قابل تجربه علمی نمی‌گردد. در اسلام از عوامل دیگری نیز سخن به میان می‌آید که می‌توان به عامل «ایمان و باور»، که يك عامل درونی است اشاره کرد. از دیدگاه اسلام، ایمان نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت انسان دارد. حضرت علی علیه السلام در این زمینه فرمودند: هویت انسان در گرو ایمان خود است. (خوانساری، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۶۲) ایمان، تأثیرهای گوناگونی بر شکل‌گیری شخصیت انسان دارد که از جمله آن‌ها آرامش و امنیت درونی است. قرآن در این زمینه فرموده است: «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (مائده، ۶۹). آنان که به خداوند ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند، نه ترسی بر آنان است و نه غمگین خواهند شد.

### نتیجه‌گیری

از دیدگاه اسلام و علم روانشناسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت انسان به دو دسته درونی و بیرونی تقسیم می‌شوند. گرچه از دیدگاه اسلام و علم روانشناسی مهمترین عوامل بیرونی خانواده، دوستان و همسالان است و مهمترین عامل درونی نیز اراده می‌باشد، اما تفاوت‌های بسیاری در برداشت هریک از اسلام و علم روانشناسی در کیفیت و مصادیق آن‌ها وجود دارد. اسلام و علم روانشناسی معتقدند عامل خانواده در میان عوامل بیرونی و عامل اراده در میان عوامل درونی نسبت به عوامل دیگر، بیشترین تأثیر را دارا هستند. خانواده، هم به لحاظ پوشش دادن مقاطع گوناگون سنی و هم به لحاظ گستره تأثیر در ابعاد گوناگون و هم به لحاظ مدت زمان ارتباط فرد با آن و هم به لحاظ تأثیر مستقیم آن در فرد و هم به لحاظ نقشی که در



تقویت و زمینه‌سازی برای تأثیر سایر عوامل دارد، بیشترین نقش را در شکل‌گیری هویت فرد ایفا می‌کند. در میان عوامل درونی، عامل «اراده» نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. اراده قوی می‌تواند بر تأثیر سایر عوامل از جمله خانواده غلبه کند و یا مانع تأثیر آن‌ها گردد.

گرچه عوامل مؤثر در شکل‌گیری هویت از دیدگاه اسلام و علم روانشناسی می‌تواند متفاوت باشد؛ چه اینکه علم روان‌شناسی تنها از آثار قابل تجربه و آزمایش این عوامل سخن به میان می‌آورد و از آثار معنوی، که احیاناً قابل اثبات با روش تجربی نیستند بحث نمی‌کند. اما اسلام ضمن توجه به آثار تجربی و محسوس این عوامل از آثار معنوی و غیرمادی آن‌ها نیز سخن به میان می‌آورد. با توجه به جهان‌بینی خاص هر یک از معارف اسلام و علم روانشناسی، این نوع تأثیرات تعیین‌کننده‌تر از سایر تأثیرات در شکل‌گیری هویت هستند.

از دیدگاه اسلام، عوامل تأثیرگذار منحصر به عوامل قابل اثبات به روش تجربی نبوده و عوامل معنوی نیز در آن موثر است. از جمله آن‌ها می‌توان به عامل «ایمان و باور» اشاره نمود که یک عامل معنوی و درونی است. دین انسان را به سرچشمه حیات نزدیک می‌کند و با آموزه‌های حیات بخش خود، هویت حقیقی انسان را معرفی می‌کند. براساس آموزه‌های دینی، انسان در صورتی که راه هدایت را بپیماید، لایق مقام خلیفه‌اللهی در روی زمین می‌باشد. این امر اختصاص به جنس خاص و فرد خاصی ندارد، بلکه به اراده انسان وابسته است. اما نهایت علم روانشناسی مبتنی بر مکاتب مادی و غربی چیزی جز پوچ‌گرایی و ناامیدی نیست.

## منابع

- \* قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند
- \* نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی (۱۳۸۳). چاپ ششم، بوشهر: موعود اسلام.
۱. ابن منظور، مکرم بن احمد (۱۴۱۰). لسان العرب، بیروت: دارالفکر.
  ۲. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۳۷۸). الانصاف فی النص علی الائمه الاثني عشر، تهران: بی‌جا.
  ۳. بروجرودی، حسین (۱۳۸۶). منابع فقه شیعه، تهران: فرهنگ سبز.
  ۴. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). نهج الفصاحه، تهران: دنیای دانش.
  ۵. حاجی صادقی، عبدالله (۱۳۸۳). انسان کامل در اندیشه مطهری، قبسات، شماره ۳۰، صص ۸۶-۱۲۰.
  ۶. حرعالمی، حسن بن محمد (۱۳۸۴). وسائل الشیعه، تهران: اسلامیه.
  ۷. حسینی، اعظم سادات (۱۳۹۴). هویت و ابعاد وجودی انسان در قرآن و احادیث، تهران: علوم انسانی.
  ۸. حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۰). الحیاه، ترجم احمد آرام، تهران: فرهنگ اسلامی.
  ۹. خوانساری، محمد بن حسین (۱۳۶۶). شرح غرر الحکم و درر الکلم، تهران: سمت.
  ۱۰. دوان شولتز (۱۳۸۴). نظریه‌های هویت، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: نشر ویرایش.
  ۱۱. دون دینک میر (۱۳۸۸). ترجمه مهدی قراچه‌داغی، پدر، مادر، نوجوان (آموزش قدم به قدم برای پرورش مؤثر نوجوان، چاپ ششم، تهران: پیک بهار.
  ۱۲. سالاری، زینب (۱۳۹۳). تاثیر خانواده، محیط و اراده در شکل‌گیری شخصیت انسان از منظر امام علی، فصلنامه پژوهش‌نامه نهج البلاغه، سال دوم، شماره ۵، صص ۷۵-۹۰.
  ۱۳. سجادی، جعفر (۱۳۷۳). فرهنگ معارف اسلامی، تهران: کومش.
  ۱۴. شرفی، محمدرضا (۱۳۸۱). جوان و بحران هویت، تهران: سروش.
  ۱۵. صفایی، سید حسین (۱۳۸۲). حقوق مدنی/ اشخاص و محجورین، تهران: وزارت فرهنگ



وارشاد اسلامی.

۱۶. صفری شالی، رضا (۱۳۹۵). تأثیر عوامل اجتماعی شدن بر هویت نوجوانان (همسالان، مدرسه و رسانه، فصلنامه خانواده و پژوهش، شماره ۲۷، صص ۳۴-۵۰).
۱۷. العروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعة (۱۴۱۵ق). تفسیر نورالثقلین، قم: اسماعیلیان.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۱). الکافی، تهران: مکتبه الصدوق.
۱۹. گوهری، مریم، نقش وراثت در سرنوشت انسان / از منظر قرآن و حدیث، سراج منیر، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۱۲-۳۴.
۲۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۱. همت بناری، علی (۱۳۸۹). شخصیت و مهم‌ترین عوامل غیروراثتی شکل‌گیری آن، معرفت، شماره ۱۲، صص ۵۶-۷۰.